

# پیامدهای خصوصی سازی صنایع ایران بر جهانی شدن اقتصاد

دکتر محمد حسن فطرس \*

اصغر مبارک \*\*

## چکیده:

از ویژگیهای مهم اقتصادهای امروزه این که؛ به هم نزدیک شده اند. این نزدیکی، جنبه های گوناگون دارد. برای نمونه، جابه جاییهای کالا در جهان افزایش و سرعت بیشتری یافته است. در حالی که در سال ۱۹۹۰، صادرات کالا در جهان ۶/۵ درصد افزایش داشته، در سال ۲۰۰۰ به ۱۳ درصد رسیده است. چندین سال است که گردش بازرگانی جهانی دارای شتابی به مراتب بیشتر از تولید جهانی است. دلیل اصلی این دگرگونی؛ نزدیک شدن اقتصاد کشورها به یکدیگر است. گذشته از گردش سرمایه و پول، انسانها؛ نیز در گستره جهانی، بر پایه اندازه مهارت و تخصص و نیز نابرابریهای مزد و حقوق، در گردش و جابه جایی هستند. مفهوم اصلی اندیشه خصوصی سازی بر این پایه استوار است که فضای حاکم بر اقتصاد و رقابت در بازارها، بنگاههای اقتصادی را بر آن می دارد تا با عملکرد کارآتری فعالیت داشته باشند. در این نوشتار، به بررسی پیامدهای خصوصی سازی صنایع بزرگ بر جهانی شدن اقتصاد - با بهره گیری از شاخص جهانی شدن اقتصاد - پرداخته ایم و پیامدهای خصوصی شدن مالکیت صنایع با کدهای دو رقمی ISIC را بر روی شاخص جهانی شدن اقتصاد - با کاربری روش برآورد داده های ترکیبی - برآورد کرده ایم. در برآورد موجودی سرمایه، از روش نمایی بهره گیری شده است. این پیامد بر روی برخی صنایع، که توان رقابت ندارند، منفی بوده است. حال آن که، این رویکرد بر متغیرهایی؛ همچون سرمایه سرانه، باز بودن اقتصاد و نیروی کار متخصص و ماهر و ارزش افزوده پیامد مثبت داشته است.

## ۱- پیشگفتار

خدمات اساسی و دستیابی به هدفهای سیاسی و اجتماعی؛ شمار زیادی از برنامه‌های اقتصادی را برعهده گرفتند. افزایش دامنه فعالیت‌های دولتها؛ پیامدهایی مانند دیوانسالاری اداری، نارسایی سامانه‌های ارزیابی، چندگانگی هدفها، نبود انگیزه کاری و نوآوری و هواداریهای نابجای اقتصادی را دربرداشت و در بیشتر کشورها، به ناکارایی اقتصادی انجامید، تا آنجا که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، سیاست آزادسازی؛ به‌عنوان الگویی برای رویارویی با این نارساییها و دشواریهای اقتصادی در گستره جهانی، به میدان آمد.

این رویکرد در ایران نیز، با پایان گرفتن جنگ ایران و عراق به میان آمد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اوضاع نابسامان بنگاههای بزرگ صنعتی، کشاورزی و مالی کشور، دولت را بر آن داشت تا بر پایه قانون «حفاظت و توسعه صنایع ایران»، شرکت‌های زیادی را زیر پوشش آورد و آنها را ملی (دولتی) کند. مالکیت دولتی صنایع و دخالت دولت در اقتصاد، پیش از انقلاب نیز وجود داشت. اما، این روند، پس از انقلاب شتاب گرفت و ناکارایی اقتصادی بیشتری را سبب شد. از این‌روی، پس از پایان جنگ، در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور، کاهش مدیریت دولت در فعالیتهای اقتصادی مورد توجه قرار گرفت و در پایان، به‌اصلاح اصل ۴۴ قانون اساسی رسید.

## ۲- واژگان جهانی شدن و خصوصی سازی

خصوصی سازی؛ بر این پایه استوار است که فضای رقابتی حاکم بر بازارها و بنگاههای اقتصادی را وادارد تا با کارایی بیشتری نسبت به بخش عمومی فعالیت کنند. برپایه این اندیشه، واژه‌هایی به میان آمده که همگی برگرفته از هدفهای خصوصی سازی است.

ولجانوسکی؛ خصوصی سازی را به معنای واگذاری فعالیتهای اقتصادی به بخش خصوصی، یا دست‌به‌دست کردن مالکیت داراییها به بخش خصوصی می‌داند. کی و تامسون؛ خصوصی سازی را

امروزه، شکل‌بندی و ترکیب اقتصادها با گذشته، ناهمسانیهای زیادی یافته است. این فرایند، تنها به دلیل اختراعات و اکتشافات تازه نیست. بلکه، به این دلیل است که اقتصادها جهانی شده است. مهمترین ویژگی اقتصادهای امروز در این است که به هم نزدیک شده‌اند. این نزدیکی، از جنبه‌های گوناگون ایجاد شده است. از جمله؛ جابه‌جاییهای کالایی در جهان افزایش و شتاب بیشتری یافته است. در حالی که در سال ۱۹۹۰، صادرات کالا در جهان ۶/۵ درصد افزایش داشته، در سال ۲۰۰۰، به ۱۳ درصد رسیده است. جابه‌جایی کالایی در پهنه جهانی، کمابیش چهار برابر تولید کالاها در جهان بوده است. دست‌اندرکاران بازرگانی جهانی نیز بر این باورند که چندین سال است گردش بازرگانی جهانی، دارای شتابی بیش از تولید جهانی بوده است. دلیل اصلی این فرایند، نزدیک شدن اقتصاد کشورها به‌همدیگر است. گذشته از گردش سرمایه و پول، انسانها؛ نیز در گستره جهانی، برپایه اندازه مهارت و تخصص و نابرابریهای مزد و حقوق در گردش بوده‌اند.

در این فضا، صنایع نیز برنامه‌های لازم و ضروری را برای جهانی شدن به کار می‌بندند و وارد پهنه جهانی اقتصاد می‌شوند. جهانی شدن اقتصاد، باعث رقابت میان صنایع گوناگون تولیدی و خدماتی شده است. دسترسی به بازارهای جهانی، تولید را با چندوچون جهانی در برابر می‌نهد و زمینه گوناگونی تولید را فراهم می‌سازد و کشور را به بازارهای سرمایه‌ی و مالی جهان پیوند می‌دهد. برای به بارنشستن این آماج؛ یکی از روشهای درخور، کاهش مدیریت و کارگزاریهای دولتی است. خصوصی سازی، از جمله در صنایع، برای تحقق چنین هدفهایی، پیش کشیده می‌شود.

در سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰، دولتها، با هدف کاستن از تنگناهای بازار، ایجاد زیرساختهای اقتصادی، تخصیص بهینه منابع، فراهم‌آوری کالاها و

برای «جهانی شدن» تعریف فراگیر و روشنی به دست داده نشده است. این پدیده، همچنان دستخوش دگرگونی است و با گذشت زمان، رویه‌های تازه‌یی از آن آشکار می‌شود. جیمز روزنا؛ در این باره می‌گوید: «به علت چندگونگی و رویه‌های گوناگون جهانی شدن و نیز به آن دلیل که مفهوم جهانی شدن در زمینه‌های گوناگون بازساخت اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی پیوند برقرار می‌کند، هنوز زود است که از این پدیده به تعریف کاملی برسیم.» مارتین آلبرو؛ جهانی شدن را فرایندی می‌داند که بر پایه آن؛ مردم جهان در یک جامعه فراگیر جهانی به هم پیوند می‌خورند. اما تئول ریشتر؛ جهانی شدن را شکل‌گیری شبکه‌یی می‌داند که در آن، اجتماعاتی که پیش از این دورافتاده و تنها بودند؛ در وابستگی چندگانه و یکنایی جهانی، وارد می‌شوند و بهم می‌پیوندند. جهانی شدن، به مفهومی؛ ورود به رقابت در گستره جهانی است. رقابتی که برای کشورهای ثروتمند، درآمد بیشتر و برای کشورهای واپس مانده، ناداری بیشتر در بر دارد. یعنی؛ سامانه توزیع درآمد را به سود توانمندان دگرگون می‌سازد. جهانی شدن؛ دوران دگرگونی ژرف سرمایه‌داری است که در سایه چیرگی کشورهای توانمند، حاکمیت سامانه جهانی و دادوستد ناهماهنگ، صورت می‌گیرد.

جهانی شدن، واپس نشینی دولت از جایگاه چیره خود در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی را در پی دارد. ستیز دیرین برای دستیابی به آزادی و مسئولیت‌پذیر کردن دولتها، می‌تواند آنها را در برابر مردم خود پاسخگو کند. اما، جهانی شدن؛ با جابه‌جایی کانون زور از کشورها به شرکتهای فراملیتی و توانمندسازی دیوانسالاری بین‌المللی، ممکن است موجب کم‌رنگ شدن این مسئولیت‌پذیری شود.

انتشار کتاب دهکده جهانی مک‌لوهان در ۱۹۶۵، انتشار کتاب موج سوم آلون تافلر در سال ۱۹۸۷، پایان جنگ سرد در پی فروپاشی اتحاد

○ آماج توسعه صنعتی ایران، با میداننداری توسعه رقابت‌پذیری، باید در هم‌اندیشی با نمایندگان صنعت فراهم آید، به گونه‌یی که سیاست صنعتی دولت، بر پایه نگرشهای کوتاه مدت سیاسی و اقتصادی، یا به صورت برآیندی از سود گروه‌های ویژه شکل نگیرد. دولت در تنظیم دخالتها و سیاستهای پشتیبانی خود؛ با هدف قرار دادن افزایش تولید رقابتی، باید با هدفمندی، مشروط و زمانبندی شده، به زدودن کاستیها و دشواریهای بنگاهها و صنایع ویژه پردازد و همواره از پشتیبانیهای بی‌مرز و همگانی پرهیزد. اجرای کارای سیاستهای صنعتی، نیازمند پیش‌نیازهای مهمی، همچون پایداری سیاسی، تضمین حقوق فردی، اراده سیاسی برای توسعه، پایداری زمینه اقتصاد کلان، نهادهای توسعه‌یی، توسعه فناوری، پژوهش و توسعه، گسترش کارآفرینی و مهارت، کنترل کیفی و استاندارد است.

آنچنان دگرگونی پیوند میان دولت و بخش خصوصی می‌دانند که ملی کردن یا فروش داراییهای دولت، مقررات‌زدایی یا زدودن ضوابط محدود کننده و ایجاد رقابت در انحصارهای دولتی و بیمانکاری را در پی دارد. بس؛ خصوصی‌سازی را نشانه برکشیدن اندیشگی سرمایه‌داری و اعتماد به کارایی بازار در برابر بی‌اعتمادی به کارایی بخش عمومی بیان کرده است. بیس‌لی و چاپلند؛ خصوصی‌سازی را وسیله‌یی می‌دانند برای بهبود عملکرد فعالیت‌های اقتصادی، از راه افزایش نقش نیروهای بازار، به شرطی که نیمی از سهام دولتی به بخش خصوصی واگذار شود.

دست آوردن خشنودی سرمایه‌گذاران و سهامداران بایسته است.

۴- کاهش کمبود بودجه و بدهیهای دولتی: کاهش حجم فعالیت‌های دولت، با فروش دارایی یا روشهای دیگر، همواره موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدهای دولت می‌شود. در صورتی که دولت بتواند افزایش هزینه برنامه‌های آتی خود را کند کند، فروش مستقیم داراییها و شرکتهای زیر پوشش، درآمدهای نقدی را، فراخور میزان و روش فروش، افزایش می‌دهد و برخی از دشواریهای کوتاه مدت را از میان برمی‌دارد.

۵- افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد: رقابت، پایه و شاخص برتر در اندیشگی سرمایه‌داری است. بر این پایه، هر کنشگری که بازدارنده رقابت در بازار شود، موجب ناکارایی بازار خواهد شد.

۶- گسترش بازار سرمایه: فرایند خصوصی‌سازی؛ پراکنش مالکیت سهام را گسترده‌تر می‌کند و اندازه معاملات در بورس و بازار سرمایه را افزایش می‌دهد و نهادهای مالی تازه و چندگانه‌یی را پدید می‌آورد.

### ۳- خصوصی‌سازی در ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلایل چندی، نقش دولت در اقتصاد، بسی گسترش یافت. این گسترش، کارایی فعالیت‌های اقتصادی دولت‌ها را کاهش می‌داد. بنابراین، تنگ کردن حوزه فعالیت‌های اقتصادی دولت، خصوصی‌سازی و کاهش کارگزاربهای دولت از ستونهای برنامه نخست توسعه اقتصادی قرار گرفت. این برنامه را، می‌توان نقطه آغاز سیاست خصوصی‌سازی در ایران نامید. با تصویب هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۷۰/۲/۴ و با توجه به اصلهای ۱۳۴ و ۱۳۸ قانون اساسی و در راستای به بار نشینی هدفها و برنامه‌های توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ و در اجرای بندهای ۲/۳۷، ۳/۴، ۸/۸ جزء خط‌مشیهای قسمت یکم قانون مزبور و برای بالا بردن بازدهی فعالیت‌های اقتصادی و کاهش حجم کارگزاربهای دولت در

جماهیر شوروی در سالهای ۱۹۸۹-۱۹۹۱ و برپایی سازمان بازرگانی جهانی در سال ۱۹۹۵ را؛ از عوامل شتاب فرایند جهانی شدن اقتصاد به‌شمار می‌آورند.

خصوصی‌سازی در کشورهایی همچون هند، مالزی و مجارستان، این هدفها را دنبال کرده است؛ شناساندن اقتصاد آزاد و افزایش کارایی بنگاهها، شکل دادن يك سامانه اقتصادی بر پایه حقوق داراییهای خصوصی و آزادی فردی، کاهش بوروکراسی و ناهنجاری اقتصادی، افزایش نقش حقوق مالکیت و باز شدن اقتصاد و در نهایت گسترش درآمدهای اقتصادی دولت در بیشتر کشورهای رو به توسعه، کاهش کارگزاری دولت، واکنشی در برابر گسترش فعالیت‌های دولت است که برای شتاب در راه توسعه اقتصادی صورت می‌گیرد. ترکیه، خصوصی‌سازی را يك فرصت در خور برای پویایی اقتصاد دانسته است.

آماج خصوصی‌سازی در اقتصاد را می‌توان چنین برشمرد:

۱- کاهش کارگزاری دولت: کاهش اندازه و حجم فعالیت‌های دولتی، که در حقیقت تنگ کردن زمینه فعالیت‌های دولت در حوزه‌های گوناگون اقتصاد، از جمله در بخش تولید است. این رویکرد، واکنشی در برابر گسترش فعالیت‌های اقتصادی دولت، بویژه پس از جنگ جهانی دوم است.

۲- جابه‌جایی مالکیت و کنترل اقتصادی: دست‌به‌دست شدن مالکیت در کشورهای پیشرفته، موجب کاهش برخی از درگیرها و مسوولیت‌های قانونی تصمیم‌گیرندگان سیاسی می‌شود که درباره سرمایه‌گذاری و دیگر زمینه‌های تولیدی و بازرگانی شرکتها تصمیم‌گیری می‌کنند. به این ترتیب، مسوولیت تصمیم‌گیرندگان سیاسی را درباره عملکرد شرکتها کاهش می‌دهد.

۳- افزایش بازدهی و بهره‌وری: به باور بسیاری از اقتصاددانان؛ رفتن به سوی بازار، با افزایش کارایی همراه است. سازوکارهای بازار مالی، بازگشت سرمایه را سامان می‌دهد که برای به

## ۴- مدل‌های آزمودنی برای خصوصی‌سازی

### صنایع در ایران

آماج توسعه صنعتی ایران، با میداننداری توسعه رقابت‌پذیری، باید در هم‌اندیشی با نمایندگان صنعت فراهم آید، به گونه‌یی که سیاست صنعتی دولت، برپایه نگرشهای کوتاه مدت سیاسی و اقتصادی، یا به صورت برآیندی از سود گروه‌های ویژه شکل نگیرد. دولت در تنظیم دخالت‌ها و سیاست‌های پشتیبانی خود؛ با هدف قرار دادن افزایش تولید رقابتی، باید با هدفمندی، مشروط و زمانبندی شده، به زدودن کاستیها و دشواریهای بنگاهها و صنایع ویژه پردازد و همواره از پشتیبانیهای بی‌مرز و همگانی بپرهیزد. اجرای کارای سیاست‌های صنعتی، نیازمند پیش‌نیازهای مهمی، همچون پایداری سیاسی، تضمین حقوق فردی، اراده سیاسی برای توسعه، پایداری زمینه اقتصاد کلان، نهادهای توسعه‌ی، توسعه فناوری، پژوهش و توسعه، گسترش کارآفرینی و مهارت، کنترل کیفی و استاندارد است. دگرگون شدن نقش دولت از یک سو و جهانی شدن از سوی دیگر، گسترش بخش خصوصی را پیش روی توسعه صنعتی ایران می‌گذارد. روند شاخصهای اقتصاد کلان ایران، نشان‌دهنده یک زمینه پایدار برای فعالیتهای بخش خصوصی نیست.

در اقتصاد ایران، به علت استراتژی درون‌نگر در گذشته، ماهیت توسعه آموزش و بالا بردن فناوری؛ براین استوار بوده است که بنگاهها در یک فضای اقتصادی بسته با چالش همیشگی بازار روبه‌رو نبوده‌اند. با چنین ویژگیهایی؛ بسیاری از بنگاهها در راه انباشت ظرفیتهای داخلی فناوری، مدیریت شده‌اند که در چالشهای رقابتی و با شرایط آزادتر، به آنها کمک نمی‌کند.

یکی از چالشهای پایه‌یی دولت در آینده، عضویت ایران در سازمان بازرگانی جهانی و مدیریت فرایند آزادسازی اقتصاد در این راستا است. شاید بهره‌گیری از روش آزادسازی گام‌به‌گام، بتواند رهیافت درخوری در این زمینه باشد. در این

فعالیتهای اقتصادی و خدماتی غیرضروری و نیز بهترین بهره‌گیری از امکانات کشور؛ سیاست واگذاری سهام وابسته به شرکتها و سازمانهای دولتی در دستور کار قرار گرفت.

از جمله هدفهایی که برای خصوصی‌سازی در ایران گفته‌اند، چنین است:

- ۱- آزاد کردن بودجه‌های دولتی از فشارهای مالی شرکت‌های دولتی
- ۲- گسترش مالکیت بخش خصوصی و همکاری مردم در فعالیتهای اقتصادی
- ۳- افزایش بازدهی شرکت‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی، که رقیب شرکت‌های دولتی هستند
- ۴- گسترش بازار سرمایه در اقتصاد و هدایت پس‌اندازهای مردمی به سوی بخش‌های مولد اقتصاد
- ۵- افزایش رقابت و نوآوری اختراع در بخش خصوصی
- ۶- افزایش هزینه‌های پژوهش و توسعه، در بخش خصوصی و تصویب قانون کپی رایت در ایران
- ۷- کاهش انحصار، از راه کاهش حجم کارگزاری دولت.

در ایران، فزون بر موارد شکست بازار، زمینه‌هایی مانند لزوم بنیاد زیربنای آغازین اقتصادی، همسازی فرایند و هدایت برنامه‌های توسعه، بهره‌برداری درخور از منابع طبیعی، تحقق هدفهای اجتماعی و رفاهی؛ ... دلیل حضور گسترده و تعیین کننده دولت در فعالیتهای اقتصادی بوده است. در سالهای پس از انقلاب، به دلایل چندی، حضور دولت در زمینه‌های اقتصاد بیشتر شد. با گذشت زمان و با درهم آمیزی فعالیتهای سودآور و بدون سود دولت و نبود سازوکارهای درخور ارزیابی و حسابرسی شرکت‌های دولتی و مدیریت ناکارآمد بنگاههای دولتی، پراکندگی هدفها، نبود روشننگری اقتصادی برخی از فعالیتهای؛ باعث ناکارایی شرکت‌های دولتی شده بود.

## ۴-۱- الگوی رگرسیونی داده‌های ترکیبی و

## ویژگیهای آن

رویه‌مرفته، بازشناخت تجربی داده‌های در

دسترس، به سه دسته می‌شود:

۱- داده‌های سری زمانی

۲- داده‌های برشی

۳- داده‌های تلفیقی (داده‌های سری زمانی و برشی)

در سری زمانی، اندازه یک یا چند متغیر را در یک دوره زمانی بررسی می‌کنیم. مانند ارزش تولید یک کارگاه در سالهای پیاپی. در داده‌های برشی، اندازه‌های یک یا چند بنگاه اقتصادی در یک زمان ویژه جمع‌آوری می‌شود. مانند شمار شاغلان هر یک از کارگاههای نمونه‌گیری شده صنایع روستایی. داده‌های بهم پیوسته، آمیزه‌یی از داده‌های سری زمانی و برشی است. یعنی، داده‌های برشی را در درازای یک زمان نگاه می‌کنیم. مانند شمار شاغلان صنایع روستایی برای چندین دوره زمانی.

## ۴-۲- آزمون معنی دار بودن گروه

برای روشن‌گری بودن (یا نبودن) عرض از مبدا

جداگانه، از آماره F، به صورت زیر بهره می‌بریم:

$$H_0: \alpha_0 = \alpha_1 = \dots = \alpha_k = \alpha$$

$$H_1: \alpha_i \neq \alpha_j$$

$$F(n-1, nt-n-k) = \frac{(RSS_{UR} - RSS_P)/(n-1)}{(1 - RSS_{UR})/(nt-n-k)} = \frac{R_U^2 - R_P^2 / n - 1}{1 - R_U^2 / nt - n - 1}$$

که در آن؛ U، نشان دهنده مدل محدود نشده و P، نشان دهنده مدل پولینگ یا محدود شده با یک عبارت ثابت برای همگی گروهها است. k، شمار متغیرهای توضیحی ضروری در مدل، n شمار برشها و N=nt شمار همگی آزمونها (t دوره زمانی آزمایش) است.

$$F(8, 67) = 7/55$$

از آنجا که F با درجه آزادی ۸ و ۶۷، در سطح احتمال ۹۵ درصد، کمابیش برابر ۲/۰۷ است و با توجه به اینکه F به دست آمده در آزمون، بیشتر از

رهیافت؛ باید پشتیبانیهای شدید، پیوسته و ناآگاهانه و دیگر بازدارنده‌های رقابت - که ساختار انگیزشی و فرایند ظرفیت‌سازی را ویران می‌کند - رفته‌رفته کاهش یابد و از میان برداشته شود.

برای سرمایه‌گذارهای بخشهای خصوصی و دولتی؛ از الگوهای چندی یاد شده است که می‌توان خلاصه آنها را چنین برشمرد:

۱- الگوی نخست؛ پیوند رشد درآمد ملی را با سرمایه‌گذارهای بخشهای خصوصی و دولتی که در آن رشد نیروی کار و رشد متغیر دیگری که مورد نظر است، بررسی می‌کند، تا از این راه بتواند پیامد مجموع این موارد را در کنار هم آزمون کند.

۲- الگوی دوم؛ درباره پیامد سرمایه‌گذاری و اعتبارات بخش دولتی بر سرمایه‌گذاری خصوصی است.

۳- الگوی سوم؛ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را بر پایه هزینه سرمایه و تولید ملی، در چارچوب اندیشه‌های نئوکلاسیکی بررسی می‌کند.

دنیز تیکرت و همکاران (۲۰۰۵) روی الگوهای سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در پاکستان به بررسی پرداختند. آنها سرمایه‌گذارهای دولتی را، به زیربنایی و روبنایی بخش کردند. مدل‌های اقتصادسنجی به کاررفته در این پژوهش چنین است:

$$I_p = b + b_1 \Delta GDP + b_2 \Delta c CRD + b_3 IG$$

$$I_G = b_0 + b_1 \Delta GDP + b_2 \Delta c CRD + b_4 GINF (-2) + b_5 GNON$$

مدل دیگری را ماول رابرتز نشان داد که هر جا سرمایه‌گذاری زیربنایی بیشتر باشد، سرمایه‌گذاری خصوصی و پیامد آن تولید بیشتری به دست خواهد آمد:

$$\Delta I_t = \alpha + \beta(LPY_t + \delta(L) \Delta C_t + \theta(I_{t-1} - Y - C)$$

در اینجا، مدلی که برای پیامدهای خصوصی‌سازی صنایع بزرگ بر جهانی شدن اقتصاد در نظر گرفته شده، عبارت است از رویکرد اقتصادسنجی الگوی داده‌های ترکیبی دوسویه.

LIT<sub>it</sub>: شاخص جهانی شدن برای هر صنعت  
 LSDI<sub>it</sub>: شاخص سرمایه انسانی برای هر صنعت  
 LADD<sub>it</sub>: مقدار ارزش افزوده هر صنعت  
 LOPEN<sub>it</sub>: شاخص باز بودن اقتصاد در هر  
 صنعت

LRKL<sub>it</sub>: شاخص سرمایه‌بری هر صنعت  
 LPIM<sub>it</sub>: شاخص مالکیت خصوصی

### ۵- واکنش‌های الگوی برآورد شده

شاخص جهانی شدن برای هر صنعت، به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. اندازه این شاخص در فاصله صفر و یک بوده، در صنایع گوناگون دارای تغییرات مهمی است. بیشترین اندازه این شاخص در صنایع ماشینها، شیمیایی، فلزی و غیرفلزی بوده است. تغییرات این شاخصها در فاصله سالهای گوناگون-بجز در صنایع متفرقه، مواد غذایی و آشامیدنی و نساجی و پوشاک- با کم و زیاد شدن اندکی همراه بوده است.

شاخص سرمایه انسانی برای صنعت: پیامد این سازه اقتصادی را بر جهانی شدن اقتصاد در هر صنعت، می‌توان دارای اثرات مثبتی دانست. افزایش این شاخص در هر صنعت، بر این گواهی دارد که با زیاد شدن نیروی کار متخصص، بهره‌وری و رقابت‌پذیری صنعت را با جهانی شدن اقتصاد افزایش می‌دهد و مزیت رقابتی را جایگزین مزیت نسبی خواهد کرد.

ارزش افزوده هر صنعت: عبارت است از ارزش ستانده‌ها منهای ارزش داده‌ها. در هر صنعت، پیامدهای این متغیر بر شاخص جهانی شدن اقتصاد مثبت ارزیابی می‌شود. پس، بیشتر بودن و اثرات مثبت آن در هر صنعت، باعث افزایش رقابت‌پذیری صنایع در آینده‌ی نزدیک خواهد شد.

شاخص باز بودن اقتصاد در هر صنعت: این متغیر یکی از مهمترین سازه‌های اثر گذار در هر اقتصاد است. پیامدهای مثبت این ضریب بر شاخص جهانی شدن اقتصاد، به دلیل داد و ستدهایی است که هر صنعت با شرکای بازرگانی خود در خارج از

جدول است، فرضیه H<sub>0</sub> رد شده، اثرات گروه پذیرفته می‌شود و باید عرض از مبدهای گوناگونی را در برآورد آورد.

### ۴-۳- آزمون هاسمن

برای آزمون این که؛ آیا مدل می‌باید با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی برآورد شود، از آزمون هاسمن بهره برد که به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

H<sub>0</sub>: Random Effects

H<sub>1</sub>: Fixed Effects

$$H = n\hat{q}(A \text{ var}(\hat{q}))^{-1}\hat{q}$$

که در آن:

$q = (\beta_{FE} - \beta_{EC})$  تفاضل ضرایب برآورد شده برای متغیرهای توضیحی دیده شده در روش اثرات ثابت و تصادفی  $q = A \text{ var}(q)$  واریانس مجانبی  $q$  و  $n$  شمار آزمونها است. آماره آزمون هاسمن، دارای بخش  $\chi^2$ ، با درجه آزادی  $\beta$  است.

آماره آزمون هاسمن، به‌صورت زیر است. این اندازه، نشان از بهره‌گیری از پیامدهای ثابت در برآورد داده‌های تلفیقی دارد. آماره آن نیز محاسبه شده است. انگاره صفر این است که؛ برآورد کننده‌های مدل اثرات تصادفی و اثرات ثابت، به‌طور اساسی، نابرابری با یکدیگر ندارند. اگر انگاره صفر رد شود، نتیجه می‌گیریم که؛ روش اثرات تصادفی درخور نیست و بهتر است از روش اثرات ثابت بهره‌گیری کنیم. آماره هاسمن، دارای بخش  $\chi^2$ ، با درجه آزادی برابر با شمار ضریبهای برآورد شده در مدل است. اگر آماره محاسبه شده در سطح احتمال معین، از بخش  $\chi^2$  جدول بزرگتر باشد، در این صورت انگاره صفر رد می‌شود.

۴۴/۸۹ آماره آزمون هاسمن با بخش  $\chi^2_{\beta}$

۰/۰۴۹ مقدار احتمال آزمون هاسمن

تابع پیشنهاد شده در این پژوهش، چنین است:

$$LIT_{it} = F(LSDI_{it}, LADD_{it}, LOPEN_{it}, LRKL_{it}, LPIM_{it})$$

که در آن:

در کشورهای رو به توسعه، اثرات مثبت و کارا بر شاخص جهانی شدن اقتصاد دارد، مالکیت خصوصی در صنایع تولیدی است. در این پژوهش، پیامدهای هر یک از صنایع، با جداسازی تأثیرگذاری مالکیت آنها از دولتی به خصوصی، به بررسی درآمدها، دستاوردها، گویای آن است که بیشتر پیامد این متغیر در صنایع شیمیایی، ماشین آلات، صنایع فلزی و غیر فلزی و صنایع چوبی و فرآورده‌های چوبی بوده است و کمترین اندازه تأثیرگذاری در صنایع کاغذ و انتشارات بوده است. در دیگر صنایع، همچون مواد غذایی و آشامیدنی و توتون و تنباکو، نساجی و پوشاک و صنایع

کشور دارد که موجب افزایش ورود فناوریهای نو و با افزایش کارایی و رقابت‌پذیری در هر صنعت همراه خواهد بود.

شاخص سرمایه‌بری هر صنعت: این شاخص، اندازه سرمایه‌بری هر صنعت را در برابر نیروی کار مورد لزوم نشان می‌دهد. این شاخص، بر متغیر جهانی شدن اقتصاد دارای اثرات مثبت است. افزایش اندازه این شاخص در هر صنعت، نشانگر افزایش بهره‌وری نیروی کار در مقایسه با سرمایه مورد نیاز است. عکس این موضوع نیز گویا است.

شاخص مالکیت خصوصی: مهمترین سازهایی که

جدول ۱- پیامد ضریبهای مالکیت خصوصی بر شاخص جهانی شدن اقتصاد در صنایع

نوع متغیر	عرض از مبدأ	LSDI	LOPEN	LADD	LRKL	LPIM
۳۱	-۱/۸۰۷۴۴	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	-۹/۱۴۰۶۵۴ t=(-۱۹/۱)
۳۲	-۰/۹۱۸۰۸	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	-۰/۳۹۵۸۱۵ t=(-۱/۰۲)
۳۳	-۰/۵۲۵۹	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	۳/۲۸۶۳۹۰ t=(۱۸/۶۴)
۳۴	-۰/۸۲۷۱۷	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	۰/۶۰۱۱۸۰ t=(۳/۴۸)
۳۵	-۰/۶۵۸۲۲	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	۶/۳۸۶۶۸۱ t=(۵/۱۳)
۳۶	-۱/۴۶۱۸۷	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	۶/۷۳۹۵۵۷ t=(۹/۳۵)
۳۷	-۰/۱۷۷۲۸	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	۸/۰۸۱۲۷۳ t=(۹/۶۷)
۳۸	-۱/۱۹۲۴۶	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	۳/۴۱۶۵۶۵ t=(۵/۵۲)
۳۹	۰/۴۹۱۶۵	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	-۳/۸۷۸۳۲۳ t=(-۳/۵۳)

مأخذ: یافته‌های پژوهش



متفرقه، دارای پیامدهای منفی بوده است. در این باره دلایل زیر را می‌توان برشمرد:

- الف) در انحصار مالکیت دولتی بودن و عدم کارایی  
ب) پشتیبانیهای نادرست دولت در ایجاد رقابت و رونق بخشی به این صنایع  
پ) بس نبودن هزینه‌های پژوهش و توسعه در این صنایع  
ت) دور ماندن آنها از فناوریهای روز دنیا.
- جدول شماره (۱)، پیامد ضریبهای گوناگون مالکیت خصوصی بر شاخص جهانی شدن اقتصاد در صنایع را نشان می‌دهد (شاخص مالکیت برای هر صنعت، با در نظر گرفتن پیامدهای برشی نشان داده می‌شود).

#### ۱-۵- آزمون واریانس ناهمسانی

در داده‌های ترکیبی:

روشهای چندی برای آزمون واریانس ناهمسانی در دست هست. آزمون ضریب لاگرانژ، ساده‌ترین و درخورترین راه برای آزمون واریانس ناهمسانی است. زیرا، به برآوردهای اضافی برای آزمون نیازی نیست. این آزمون، در زمینه (Excel) انجام شده است.

انگاره در نظر گرفته شده، به صورت زیر است:

$$H_0: \sigma_i^2 = \sigma^2$$

$$H_1: \sigma_i^2 \neq \sigma^2$$

آماره ضریب لاگرانژ (که با برآورد کننده داده‌های ترکیبی در حالت‌های گوناگون تعیین شدند) به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$LM = \sum \left[ \frac{T}{nS^2} \left( \frac{S_i^2 - 1}{S^2} \right) \right] \left( \frac{2S^4}{T} \right) = \frac{T}{2} \sum \left[ \frac{S_i^2}{S^2} - 1 \right]^2$$

این آماره، با پخش  $\chi^2$  و با n-1 درجه آزادی، اندازه واریانس آزمون را برای هر برش زمانی و در حالت کلی به دست می‌دهد. آن را با آماره جدول مقایسه می‌کنیم. در صورت رد نشدن انگاره نخستین، دارای دشواری واریانس ناهمسانی در برآوردها نخواهیم بود. اندازه محاسبه شده آماره این آزمون

برابر است با:

$$Lm = 115.64$$

#### ۶- رهاورد پژوهش

پژوهشهای بسیاری به بررسی پیوند میان جهانی شدن اقتصاد ایران و خصوصی سازی در بخشهای گوناگون اقتصادی پرداخته‌اند. دستاورد بخشهای اقتصادی، پیامدهای ناهمسان جهانی شدن را نشان داده‌اند. در بخشهایی چون صنعت و کشاورزی - که کمابیش از فناوریهای تازه برخوردارند - با جهانی شدن این بخشها و گسترش رقابت پذیری، بهره‌وری و کارایی اقتصادی افزایش می‌یابد. در پایان، اقتصاد دارای مزیت نسبی، جای خود را به اقتصاد دارای مزیت رقابتی خواهد داد.

#### منابع فارسی:

۱. رومر، دیوید، اقتصاد کلان پیشرفته، ترجمه مهدی تقوی، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۳.
۲. غربالی مقدم، یونس، «درآمدی بر خصوصی سازی: پیش نیازها و روشها»، ناظر اقتصاد، ش ۴، س ۲، (۱۳۸۰).
۳. کمیجانی، اکبر، مهری رحیمی فر، «ارزیابی عملکرد سیاستهای خصوصی سازی از طریق شاخصهای مالی - عملیاتی شرکت‌های واگذار شده»، اقتصاد و مدیریت، ش ۳۶، (۱۳۷۷).
۴. کمیجانی، اکبر، محمد رحیم احمدوند، «ارزیابی عملکرد واگذاری سهام در سازمانهای عمده واگذار کننده»، تحقیقات اقتصادی، ش ۵۳، (۱۳۷۷).
۵. کیانی، منوچهر و دیگران، خصوصی سازی و شرایط - تجربیات، تهران، سازمان صنایع ملی ایران، (۱۳۷۳).
۶. متوسلی، محمود، خصوصی سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار در توسعه اقتصادی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، (۱۳۷۳).
۷. مجموعه قوانین و مقررات خصوصی سازی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی سازمان خصوصی سازی، ۱۳۸۰.
۸. تجربه‌ها و الزامات خصوصی سازی بانکها، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان خصوصی سازی، ۱۳۸۱.

“The Relationship between Privatization and DEA Estimates of Efficiency in the Container Port Industry”, **Journal of Economics and Business** 57, (2005) pp.433-462.

7. Roger, Mark, **Estimating the impact of R&D on productivity using the BERDARD data**, Oxford Intellectual Property Research Centre and Harris Manchester College, Oxford University, 2006.

8. Rong Chen, Jong. “The Impact of Technology Transfer and R&D on Productivity Growth in Taiwanese Industry”, **Journal of the Japanese and International Economies**, (2006), pp. 177-192

9. Smith, Adrian, **the Privatized Infrastructure: the Role of Government**, (London, 1999).

10. Smith, Valdermar, **The Impact of R&D On Productivity Evidence From Danish Manufacturing Firm**, (November 1999).

Yonghong, Zhou; and others, “Impact of technological innovation on growth trajectory of enterprise’s technological capability: a theoretical analysis”, **Singapore Management Review**, July 1, 2005

### منابع لاتین:

1. Alfred Baird, “Privatization Defined; is it the Universal Panacea?” (27 June 1999) (www. world. bank.org).

2. Alfred Baird, “Privatization Trends at the World’s Top-100 Container Ports”, **Maritime Policy and Management**, XXIX, No. 3 (2002) pp. 271-284.

3. Erince Yeldan, “**Assessing the Privatization Experience in Turkey: Implementation, Politics and Performance Results**”, Report submitted to the Economic Policy Institute (Washington DC, June 2005).

4. Guangzhou Hu, Albert, “Ownership, Government R&D, Private R&D, and Productivity in Chinese Industry”. **Journal of Comparative Economics** (2001) pp. 136-157

5. Kevin, Cullinane, and Dono- Wook Song, “Port Privatization Policy and Practice”, **Transport Review**, XXII, No. 1 (2002) pp. 55-75.

6. Kevin Cullinane, Ping Ji and Teng-Fei Wang,